

## توقيع منيع نوروز ۱۱۳ بدیع خطاب به احبای شرق

بقلم  
حضرت ولی امرالله شوقی افندی ربانی

1957

هیئت محترمه مجلله ایادی امرالله و حضرات افنان ثاتبة راسخه بر میثاق الله و جنود منصوره مجاهدان و مهاجران فی سبیل الله و عصبه جلیله مبلغان و ناشران نفحات الله و اعضای محافل مقدسه روحانیه ارکان و حامیان شریعة الله و افراد جامعه پیروان دین الله در کشور مقدس ایران و خطه هندوستان و برما و پاکستان و اقالیم افریقا و عربستان و قطر مصر و سودان و ترکیه و افغانستان و جزائر اوقیانوس هند و محیط اعظم و عراق عرب و سوریه و لبنان رجالات و نساءً صغیراً و کبیراً ملاحظه نمایند

یا معشر المؤمنین و المؤمنات احییکم من هذه البقعة الاحدیة المباركة المقدسة المطهرة النوراء بقلب خافق بمحبتکم و فؤاد منجذب بنفحات ذکرکم و لسان ناطق بثناءکم و محامدکم و عین دامعة لضرکم و اضطهادکم و روح مهتز ببشارتکم و عظیم ولانکم و ولهکم و اشتعالکم و صبرکم و اصطبارکم و ثباتکم و استقامتکم و خدماتکم و مجهوداتکم و فتوحاتکم تکریماً لاسمه الاعزّ العزیز و اجلالاً لظهوره الامنع المنیع و اعزازاً لميثاقه الامتن المتین و تعظیماً لشعائر دینه الاقوام القویم و اثباتاً لاصول نظمه الابدع البدیع و امداداً لجهادة الاکبر الکبیر و کشفاً لاسرار شرعه الامجد المجید و تمهیداً لإعلان أمره الأوعرالأفخم الأنور الأقدس المبرم الخطیر صلوات الله و الطافه و عزه و بهانه.

علیکم یا احباءالله و امانه و خیرة خلقه و رعاة اغنامه و مشاعل حبه و مصابیح هدايته و امناء امره طوبی لکم الف طوبی لکم یا عزاً لکم و یا روحاً لکم بما اجبتم ندانه و وفیتم بميثاقه و ثبتتم اقدامکم علی صراطه و اعتصمتم

بحبله و حملتم الشدائد فى سبيله و تركتم اوكاركم و هجرتم اوطانكم تنفيذاً لأمره و افترقتم من اقاربكم و فديتم راحتكم طلباً لمرضاته و دعوتم الناس فى مشارق الارض و مغاربها لاستغلال فى ظله و اقتديتم بالدين سبقوكم من آبائكم و اجدادكم فى هداية خلقه و تبليغ رسالته و الانقطاع عن كل ماسواه و الترنح من صهباء الشهادة حباً لجماله و بذلتم ما وهبكم ربكم لاعزاز دينه و ترويج مبادئه و كشف اسراره و تعميم تعاليمه و استحكام دعائم نظمه و اثبات استقلال شريعته و اشتهاى صيت امره الاعظم العظيم تالله تنظركم في هذا الحين عيون اهل ملاء الاعلى و تستبركن بانفاسكم سكان رفرق البقاء و يُشِيرن اليكم اهل سراقق الابهى و تتهلل لنصركم و ظفركم و جوه حوريات القدس فى الجنة العليا و تسبح ملائكة الامر حول حرم الكبرياء و يمجدكم فى مقابلة العرش سيدكم و محبوبكم مركز عهد الله الأتقن الاسمى و يبارككم ربكم و موليكم النقطة الاولى مبشر امره الأسنى سلطان الرسل قرّة عين الانبياء و يخاطبكم لسان العظمة فى بحبوحة الفردوس جمال الله البهى الابهى مبعث الرسل بارئكم و موجدكم بان يا احبائى و حفظة امانتى و هداة خلقى طوبى لكم بشرى لكم مرحى بكم من هذه المنحة العظمى انتم الناصرون لأمرى انتم الشاربون من رحيق حبى انتم اعلام نصرتى فى مملكتى انتم المختارون فى ملكوتى انتم متكونون على و سادة عزى طوبى لمن تأسى بكم و سلك فى منهاجكم تالله يويده روح الاعظم كما ايديناكم من قبل و من بعد ان استقيموا على هذا الصراط ايكم ايكم ان تخوفكم جنود الجبابرة و سطوة الفراغته ايكم ان تمنعكم عن اداء رسالات ربكم و ومولاكم و محبوبكم دولة هاتك او لومة لائم او صولة ظالم او شوكة فاتك سوف يدمدم عليهم العذاب كما دمدم على الذين كانوا من قبلهم و ان هذالوعد غير مكذوب.

يا مشاعل الحبّ و مطالع الوفا در اين سنين اخيره از حين اختتام سنة مقدسه عيد منوى ثانى اهل بها و راكبين سفينة حمراء و افتتاح جهاد كبير اكبر در اين عصر افخم اسنى الى يومنا هذا از جهتي سيل جارف بلايا و رزايا در موطن اصلى جمال ابهى منهم و تندباد امتحان و افتتاح در هبوب و مرور و ضوضاء همج ارض و اراذل قوم مرتفع و مفتريات محتجبين و هذيانا و اراجيف مكذبين در جراند و نشریات پى در پى منتشر و تهديدات دشمنان پركين متتابع و متزايد و نار بغض در قلوب مشتعل و غبار دخان و ظلم بغان آسمان متصاعد اولياى الهى ياران راستان در پنجه تقليب گرفتار و اصحاب فتور و عصبه غرور بتمام قوى بر قلع و قمع حزب الله عاشقان جمال ابهى و سالكان سبيل وفا و رافعين رايت بيضاء قائم و شردمة از ذناب كاسره از ايكات نفاق مرّة اخرى خارج بكمال صولت بر اغنام الهى مهاجم و بتوهين و تحقير و هدم و تخريب و زجر و ضرب و شتم و هتك ناموس و اهراق دماء برنيه مشغول و علمای رسوم بعربده و هياهو و همهمه و دمدمه جديدى مألوف و جمعى از بلهائى و سفهائى و بلدا و جهلا در تشويق و تأييد و معاضدت و مساعدت و اشتراك در اين حمله اخير با باغيان و طاغيان

عناً لياً و نهراً در سراسر موطن اصلی جمال ابهی ساعی و جاهد ولی هزار شکر مولای بیهمتا را که از جهتی دیگر با وجود تتابع بلایا بل در بحبوحه رزایا آئین جهان افروز جمال اقدس ابهی رغماً لأنف الخصماء والاعداء آنآ فآناً در ممالک اخری در ارتفاع و در این سنه ثلاثه امر مبین و آئین نازنین به نیروی اسم اعظم محیی العالمین بر متجاوز از صد و ده (110) اقلیم از ممالک و جزائر شرقیه و غربیه و جنوبیه و شمالیه پرتو افکنده و چنان ولوله در این عالم ادنی انداخته و شور و وله و نشوری احداث نموده که اهل امکان را از قریب و بعید و وضع و شریف و آشنا و بیگانه حیران نموده صد هزار شکر در این ایام که عید سعید نوروز است و این عبد مستمند بترقیم این اوراق مشغول و مقارن با اختتام دومین مرحله این جهاد کبیر جهان افروز است شلیک یا بهاء الأبهی و یا ربی الأعلى در بر و بحر در قارات خمسۀ عالم و جزائر دو محیط اطلس و اعظم و دو بحر متوسط و شمال و اوقیانوس هند بلند است و پرچم اسم اعظم مواج و صیت امر اعزّ اقوم مشتهر و ندای لبیک یا ربنا العلی الاعلی و یا ربنا البهی الأبهی در متجاوز از دویست و چهل اقلیم از اقالیم دنیا از حیز ادنی بافق اعلی متصاعد و قلوب جمّ غفیری از مؤمنین و مؤمنات از جنس ابیض و اسود و احمر و اصفر و اسمر از تجلیات بدیعه حیرت انگیز امر ربّ فرید و سطوع انوار تأنید و بروز تباشیر قهاریت و غلبه ظاهره آئین مجید مهتر و میثاق امتن در هویت پیروان امر ربّ ذوالمتن مستحکم و بساط نظم بدیع در تمام جهان منبسط و هلله فارسان جیش عرمم بهاء گروه مهاجرین و مجاهدین پر وفا از اکناف و اطراف مرتفع. الحزن و السرور قد اعتنقا فسبحان ربنا المقدر الناظر القاهر المقدر المتجبر الحافظ المهیم العظیم.

ای یاران ارجمند دریغ و افسوس که در کشور مقدس ایران موطن اصلی جمال موعود مهد آئین ربّ ودود جمهور سگانش از شعشعات انوار این امر عظیم تا بحال پس از تجاوز از صد سال مهلت غافل و ذاهل در سبات عمیقند و بکابوس ثقیل گرفتار و بر اصنام اوهام عاکف. قلوبشان از نفحاتش محروم و ابصارشان مرمود و اسیر قیود در بعد ابعدند بل معترض و مخالف و در اطفاء سراج وهاج امر ذوالجلال ساعی و جاهد. تراهم فی وادی الاوهام هائمین و فی حوضهم لاعبین.

آن قوم پر لوم از طبقات مختلفه و علی رأسهم الفتنه الفاسده ارباب عمانم الذین زینوا رؤوسهم بالبیضاء و الخضراء بر مقدسات این امر گرانبها از هر سو مهاجم و در اثبات بطلان این امر نازنین و تزئیف سنن و شعائر این دین مبین و تفریق و تشنیت شمل مؤمنات و مؤمنین و ایجاد انشعاب و انشقاق در صفوف جنود مجتده اش و هدم بنیان مؤسسات بدیعه اش و استئصال این شجره لا شرقیه و لا غربیه که ید قدرت الهیه در آن ارض غرس

نموده و بدماء بیست هزار شهید سقایت فرموده بکمال جدیت و اهتمام قائم و مداوم.

شبهه نبوده و نیست که اعلاى حیرت انگیز امرالله و اشتهاى سریع نبأء عظیم و ولوله اش در اقلیم و رفع لوائش در متجاوز از صد و ده اقلیم در اقل از سه سنه و رفع قواعد و دعائم نظم بدیع الهی و جلوه متزاید تاسیسات امریه و تشیید مقامات مقدسه و تاسیس اوقاف و اتساع دائره آن در ارض اقدس قلب العالم و قبله الامم و اتمام مشروع عظیم بنای سامی امّ المعابد غرب در قطب امریک و احتفال مجلل عید منوی اول و ثانی اهل بهاء در قارات خمسۀ عالم و انعقاد انجمنهای اربعه بین القارات در قاره افریک و امریک و اروپا و آسیا و افتتاح جهاد کبیر اکبر و طرح و اعلان و انتشار نقشه بدیعه دهساله و قیام و خروج و هجوم و تشتت مهاجرین و مجاهدین در ممالک و دیار و فتح صد اقلیم در سنه اولای این جهاد جهانی روحانی و اشتعال قاره افریک و اقبال سریع نمایندگان قبائل متعدده مختلفه و ارتفاع رأیت بیضاء در قطب بحار بالاخص در محیط اعظم و تاسیس و تعدد مراکز این امر اعزّ اتم در اقلیم عربستان بالاخص در مکه مکرمه، قبله عالم اسلامی، کل باعث تحیر و موجب توهم و اضطراب گشت و محرک عرق عصبیت و معاندت دشمنان دیرین گردید و بر اشتعال نار حسد و بغضاء در قلوب اهل شرور و غضبه غرور بیفزود و چنان التهابی در صدور احداث نمود که بغتۀ من دون ستر و حجاب از مساجد و منابر سیل تهمت و افتراء جاری گشت و در صفحات جرائد این هجوم عنیف و ذم و قدح و تزییف عباراتی فزیح منعکس گردید.

فنه باغیه ضالّه بزمی متین بر قلع و قمع این حزب مظلوم قیام نمودند. طولی نکشید که از مقامات عالیّه اوامر اکیده صریحه در توقیف و تعطیل امور امریه و منع از اجتماع پیروان امر حضرت ربّ البریه و اشغال و احتلال حظیره یاران ارض طاء و محور دوائر امریه و اولین مرکز اداری اهل بهاء و متمسکین بعروه و ثقی در آن اقلیم پر بلا صادر گشت و در مجلس شورا در حضور وزراء و وکلای مجتمعه عده من دون ستر و حجاب زبان به تهدید و تزییف گشودند و محررین مقالات در جرائد عدیده در آن عاصمه پرشور و آشوب بکمال صراحت عبارتی سخیفه بر مقدسات آئین الهی حمله نی شدید نمودند و در همان مجلس بعض از وکلا بنهایت الحاح و اصرار صدور حکم رسمی از طرف هیئت تشریعیّه در تحریم و اعلان عدم مشروعیت آئین بهائی و حجز اموال و متمکات امریه و ضبط اوقاف این حزب و اخراج و تبعید جمعی از مؤمنین و مؤمنات و قلع و قمع این طائفه طالب گشتند.

در نتیجه این فتنه و فساد قبه رفیعه آن بنای مجلل را منهدم ساختند و رسماً اشغال نمودند و در ولایات

مختلفه در اثر این هجوم عنیف ضوضاء برپا گشت و تضییقات و اذیّات از طرف مأمورین و علمای رسوم از مجتهدین و وعّاظ دفعهً واحدهً شدت یافت. حظائر قدس اشغال گشت و جمعی در مُدن و قری عوام کالانعام را بتعدّی بر اهل بهاء و قتل و غارت بکمال جسارت تحریک نمودند و بسبّ و لعن و شتم در معابر زبان گشودند و بتخریب و تاراج و حرق بیوت مسکونه این فنه مظلومه و هدم و نبش مقابر در مدافن بهانیان و ضرب نفوس و قطع اشجار و هتک ناموس نساء و ضرب اطفال و اخراج آنان از دبستان و دبیرستان و اجبار به تبرّی مؤمنین و مؤمنات از عقیدهٔ خویش و انعقاد مجالس تعزیه در بیوت آنان و غارت محصولات فلاحی آن مظلومان و قطع معامله با آنان و اخراج جمعی از دوائر دولتی اقدام نمودند، و چنان شقاوت و قساوتی ظاهر نمودند که در مزرعه نی که در قرب دهی از دهات واقع بتحریک کدخدای آنمحل جمعی ارادل از اشرار که عدد آنان به پانصد بالغ با طبل و شیپور و چوب و تبر هجوم بر ساکنین آن مزرعه نموده هفت نفر را از رجال و نساء که یکی از آنان هفتاد ساله و دیگری هشتاد ساله بوضعی فجیع شهید نمودند. امر بمقامی رسید که لطمه و وهنی عظیم از ید ستمکار لعین و لئیم بکعبهٔ پیروان امر جمال قدیم در آن اقلیم وارد گشت و جزئی از اجزاء بیت الله الحرام در مدینهٔ مبارکه شیراز که منصوص کتاب اقدس و اوّل و ابهی و اشرف مقامات متبرکه مقدسه آن ارض است و بیٹی از بیوت مجاورهٔ آن منهدم گردید و اخیراً در ارض خاء متجاوز از هشتاد نفر از رجال و نساء را اشرار تبه کار پس از شکنجه و آزار از بیوت مسکونه بیرون کشیده بظلمی مُبین پالان و افسار نموده و زنگ به گردنشان انداخته آنانرا جبراً چهاردست و پا در کوچه و بازار با طبل و دهل گردانیدند و پس از آن منازل آن مظلومانرا غارت نمودند.

تَبَا لَهُمْ سَحَقًا لَهُمْ وَيَلَّ لَهُمْ تَسَعًا لَهُمْ و لَاعْوَانُهُمْ و اتَّبَاعُهُمْ قَدْ بَكَى مِنْ ظَلَمِهِمْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ و ذُرْفَتُ مَنْ أَعْمَالُهُمْ عِيُونَ أَهْلِ مَلَأَ الْأَعْلَى و ضَجَّتْ حُورِيَّاتُ الْقُدْسِ فِي أَعْلَى الْغُرَفَاتِ فِي الْفَرْدُوسِ الْإِبْهِي و تَتَفَتَّتْ أَكْبَادُ الْمُؤْمِنِينَ و الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ و مَغَارِبِهَا. فَضَّ اللَّهُ فَاهُمْ و قَطَعَ لِسَانَهُمْ و كَسَرَ عُنُقَهُمْ و أَنَامَلَهُمْ و أَقْلَمَهُمْ. فَو رَبَّ الْعَمَاءِ سَوْفَ يَفْتَنُونَ بِفَتْنِهِ عَمِيَاءَ صَمَاءَ و يَضْرِبَنَّ عَلَى فَمِهِمْ مَلَانِكَةَ الْأَمْرِ و تَنْزِلُ اللَّعْنَةُ عَلَيْهِمْ و يَمُرُّ الرِّيحُ الْحَمْرَاءُ و يَحِيطُهُمْ عَذَابُ اللَّهِ الْكَبِيرِ الْإَكْبَرِ مِنْ فَوْقِهِمْ و تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ و يَحُلُّ بِهِمْ بَلَاءٌ لَمْ يَسْمَعْ بَلَاءٌ أَشَدَّ مِنْهُ إِذَا تَرَجَّفَ أَرْكَانُهُمْ و تَفْشَعَرُ جُلُودُهُمْ و يَضْعُونَ أُنَامِلَ الْحَسْرَةِ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ و لَا يَجِدُونَ لَأَنْفُسِهِمْ نَاصِرًا و لَا مُعِينًا إِذَا يَأْكُلُهُمُ النَّيْرَانُ و يَمْحَى اللَّهُ آثَارَهُمْ و يُلْحِقُهُمُ بِالْهَالِكِينَ إِذَا لَا تَسْمَعُ لَهُمْ صَوْتًا و لَا رُكْرَأًا.

در این مقام از قلم مرکز میثاق جمال ابهی این کلمات بیّنات صادر:

"از سرشک دیدهٔ یتیمان حذر لازم زیرا سیل خیز است و از دود آه مظلومان پرهیز باید زیرا شرر انگیز است."

این است که از قلم اعلیٰ این کلمات درّیات و این شهادت عظمیٰ نازل، قوله جلّت عظمته:

"قسم به آفتاب حقیقت که اگر آن حضرت در مملکت دیگر ظاهر میشد البتّه مقامش مُرتفع و امرش ظاهر و نورش باهر و کلمه اش محیط میگشت."

"لعمراًلله اگر قلم اعلیٰ باحزاب عالم توجه مینمود بمثل آنچه باهل ایران نمود هر آینه اکثری وارد بحر اعظم میشدند چنانچه در این ارض جمعی قبل از تبلیغ داخل شدند بمثابه امطار آیات بر ایران هازل و نازل معذک میّت مشاهده میشوند الا من شاءالله ربّ العالمین."

و ایضاً میفرماید:

"اگر حضرت مُبشّر روح ماسواه فداه در این ارض ظهور مینمود حال اکثر خلق را از اهل حق مشاهده مینمودی چه که اوهامات حزب شیعه از جابلقا و جابلسا و ناحیه ما بین این نفوس نبوده و نیست."

و از قلم میثاق مؤیداً لما صدرَ مِنَ القلم الاعلیٰ این شهادت اتمّ اوفیٰ نازل:

"این کوکب روشن اگر از مطلع انجمن اروپ طالع شده بود حال ملاحظه میفرمودی که چه شور و ولهی بود و چه ولوله و طربی."

و ایضاً میفرماید:

"شمس حقیقت اگر در سائر اقالیم اشراق نموده بود تا بحال اشعه اش جهانگیر گشته بود زیرا

اهل آن اقلیم قدر این فضل عظیم را می دانستند و لو مؤمن نبودند مسرور بودند."

در بیان غفلت و سوء رفتار و عاقبت پر وبال این هیاکل بُغضیه از قلم اعلی این بیانات خطیره قهریه و انذارات شدید نازل، قوله جلّ کبریائه:

"لَمَّا تَفَرَّسْنَا وَجَدْنَا أَكْثَرَ أَعْدَائِنَا الْعُلَمَاءِ."

"ینوح من اعمالهم محمد رسول الله في أعلى الجنان يشهد بذلك من ارسله بسلطان مبين"

"زینوا رؤوسهم بالبيضاء والخضراء و عملوا ما ناح الروح الامين"

"نشهد انهم كانوا جداراً بين الله و احبائه"

"يا معشر العلماء بكم انحط شأن الملة و نُكِسَ عِلْمُ الْاِسْلَامِ و ثُلَّ عَرْشُهُ الْعَظِيمِ. كَلَّمَا ارَادَ مَمِيزٌ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِمَا يَرْتَفِعُ بِهِ شَأْنُ الْاِسْلَامِ ارْتَفَعَتْ ضَوْضَاؤُكُمْ بِذَلِكَ مَنَعَ عَمَّا ارَادَ و بَقِيَ الْمَلِكُ فِي خُسْرَانٍ كَبِيرٍ "

"قل يا معشر العلماء لا ترون بعد اليوم لانفسكم من عز لا تا اخذناه منكم و قدرناه للذين آمنوا بالله الواحد المقندر العزيز المختار"

"قل يا معشر العلماء من الاعجام قد اخذتم زمام العباد باسمي و تقعدون على الصدور بنسبتكم الي. فلما اظهرت نفسي اعرضتم و عملتم ما جرّت به دموع العارفين سوف يفنى ما عندكم و يبذل عزكم بالدلة الكبرى و ترون جزاء اعمالكم من الله الامر الحكيم"

"اهل سنّة و يهود و مجوس و نصاری و سایر احزاب هیچیک عمل نمود آنچه را از آن قوم ظاهر شد"

"یهود از ظلم آن حزب بحق پناه برده و میبرد و كذلك احزاب أخرى"

"قسم بافتاب افق بیان که طرف ناخن یکی از اّماء مؤمنات الیوم عندالله اسبق است از علمای ایران که بعد از هزار و سیصد سنه انتظار عمل نمودند آنچه را که یهود در ظهور حضرت روح عمل نمود"

"پست ترین جنبنده های ارض احسن از آن نفوس بوده و هستند"

"سوف تأخذهم زبانية العذاب من لدن عزيز مقتدر قیوم"

و از قلم میثاق این کلمات تامات در این مقام نازل:

"این عزت مبدل بذلت کبری گردد و این سطوت و شوکت منقلب بمقهوریت عظمی شود. ایوان بدل بزندان گردد و اوج ماه بقعر چاه انجامد. قهقهه و خنده نماند بلکه نحیب بکاء بلند شود"

"گنبد های سفید و نیلگون سرنگون گردد"

"حضرات رؤوساء آخور را دیده اند و آخر را ندیده اند و ضربت علیهم الذلة و المسکنة و بانوا بغضب من الله. عنقریب این نعمه و اطوبی و اطوبی منقلب بفریاد و اویلا و وا اسفا گردد" (مانده اسمانی - جلد 5: صفحه 197)

"عنقریب ملاحظه خواهید فرمود که کل با عنق منکسره خانب و خاسر... (با کثافت بشره بباد لقوه) مبتلا گردند. این نفوس بمنزله بعودند چندی در گل و کثافات خویش می غلظند یکعبرده می اندازند و عاقبت کان لم یکن شیئاً مذکوراً معدوم گردند" (مانده اسمانی - جلد 9: صفحه 83)

"زنان نا توان مرد میدان گشتند و گوی سبقت و پیشی از مجتهدان زمان ربودند"

"خسرانهم خسران الفریسین و هوانهم هوان کهنه البعل فی زمن ایلیا من الاسرائیلیین"

ای هموطنان جمال قدم و اسم اعظم روحی لضرکم الفداء سلطان قدم مسلی اعظم میفرماید، قوله ما احلی بیانه و ما أبهی عزّه و ذکره:

"یا حمامة الوفاء خاطبی الضعفاء انه اذا وجدتم الضراء اشتدت و البأساء امتدت و الارض ارتجفت و الجبال ارتعدت و زوابع الشدائد احاطت و بحور البلیا فاحت و اریاح الرزایا هاجت و طوفان الامتحان احاط الامکان علیکم بالصبر الجمیل فی سبیل ربکم الجلیل"



"قل يا حزبَ الله إياكم ان تُخَوِّفَكُم قَدْرُهُ الْعَالَمِ او تُضْعِفَكُم قُوَّةَ الْإِمَامِ او يَمْنَعَكُم ضَوْضَاءَ أَهْلِ الْجِدَالِ او تُحْزِنُكُم مَظَاهِرُ الْجَلَالِ. كُونُوا كَالْجِبَالِ فِي أَمْرِ رَبِّكُم الْمَقْتَدِرِ الْعَزِيزِ الْمُخْتَارِ"

"قل إياكم أَنْ تُضْعِفَكُم أَقْوِيَاءَ الْأَرْضِ او تُخَوِّفَكُم أَمْرَاءَ الْبِلَادِ. تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ وَفَوَّضُوا الْأُمُورَ إِلَيْهِ. إِنَّهُ يَنْصُرُكُمْ بِالْحَقِّ وَهُوَ الْمَقْتَدِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ وَفِي قَبْضَةِ زِمَامِ الْإِقْتِدَارِ"

"إِياكم انْ تُحْزِنُكُمْ سَطْوَةُ الظَّالِمِينَ وَظَلَمَ الْمُعْتَدِينَ"

"لا تحزنكم كثرة الاعداء سوف يجعلهم الله هباءً و لا تسمع ضوضائهم الا كظنين الذباب انه كان بكل شىء عليمًا"

قسم باسم اعظم كه اين بلاى ادهم را رخانى عظيم از عقب چنانچه صريحاً ميفرمايد:

"عن قريب معرضين نادم و خاسر مشاهده شوند و مُقْبَلِينَ بِكَمَالِ عِزِّ وَ تَمَكِينِ هَذَا حَتَّمٌ عِنْدَ رَبِّكَ"

و ايضاً ميفرمايد:

"اگر در اين ايام مشهود و عالم موجود فى الجملة بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشويد كه ايام خوش رحمانى آيد و عالمهاى قدس روحانى جلوه نمايد و شما را در جميع آن ايام و عوالم قسمتى مقدر و عيشى معين و رزقى مقرر است، البته بجميع آنها رسیده فائز گرديد"

يد غيبى در كار است و مُحْتَسِبِ حَقِيقِ نَاطِرِ و مَرَاقِبِ و بِيَدَارِ، ارياح عدليه بارادهء ازليه نافذه مولى البريه در ميقات معلوم مُرُورِ نمايد و اين ظلمهاى وارده بفرمودهء مظهر احديه تدارك عدل اعظم مينمايد و اين انقلاب و هيجان بنفسه مقدمه نجات و استخلاص آن ستمديدگان و شيفتگان روى جمال رحمن از قيود صد ساله امر يزدان در آن سامان است و مُنْتَهَى بَحْلُولِ عَصْرِ جَدِيدِ و ورود جامعه پيروان امر ربّ مجيد بمرحله ثالث كه مرحله انفصال آئين بديع و منيع از شرع منسوخ و عتيق است خواهد گشت.

تمهيداً لرفع علم استقلال دينه الاعزّ الأشرف الأفخم العظيم كلمات دريات را در اين مقام از قلم اعلاى مُحَيِّى الأنام

صادر بیاد آورید، قوله الاحلی:

"لعمرا لله مظلومیت بسیار محبوب است... ایام غلبه ظاهره خواهد آمد و لکن این لذت را نخواهد داشت و اگر درست ملاحظه کنی عظمت امر را با حالت مذکوره مشاهده نمایی."

ای یاران رشید پر وفا، چه قدر شکرانه لازم و چه قدر حمد و ثنا سزاوار که در حمل این ثقل اعظم و تحمل این بلاء ادهم آن یاران مکرم تأسی بجمال قدم و مبشر اسم اعظم و غصن فرید آن منجی عالم و سید امم و محیی رمم نموده؛ وقت آن است که این بلایا و رزایای لاثعد و لاثحصی را بخاطر آورید و در شدت و حدت و امتداد و اتساع و تنوع بلیات و صدمات وارده بر مظلوم عالم و بشارت دهنده امر مبرم و غصن افخم اعظم تفکر و تمعن نمایند.

در این مقام این کلمات و عبارات حزن انگیز از قلم اعلی جاری، تعالت عظمته:

"قسم بافتاب معانی که از ظلم این ظالمان قامت خم شده و مویم سفید گشته. البته اگر بین یدی العرش حاضر شوی جمال قدم را نمی شناسی چه که طراوتش از ظلم مشرکین تبدیل شده و نضارتش تمام شده تالله قلب و فؤاد و حشاه جمع آب شده و لکن بقوه الله بین عباد حرکت می نمائیم"

"تالله یا اعرابی لو تنظرونی لن تعرفونی و قد ابیض مسک السود من تتابع البلیا و ظهرت الف الامر علی هیئة الدال من توالی القضا یا ثم اصفر هذا الوجه المحمر المنیر"

"تالله قد ابتلی طیر القدس تحت الظلم بین طیور البغضاء منهم من یضر به بمنقاره و منهم بمسیره و منهم بمخلبه و منهم باظفاره کذلک کان البلاء من سحاب الغل علی هیکل الطیر مرشوحاً"

"و کان قد آتی ثعبان القهر و فتح فمها لیبلعنی و عن ورائی غضنفر الغضب و یرید أن یشقنی و عن فوقی یا محبوبی سحاب القضاء و یمطر علی أقطار البلاء و عن تحتی نُصبت رماح الشقاء لیجرح اعضائی و بدنی"

"لعمرا لله اگر قلم اعلی از این حین الی الیوم الذی لا آخر له خود را بخطاب یا مظلوم مخاطب سازد حق دارد ظلم از هر قسمی و هر شائی از آن از قبل و بعد بر مشارق نور و مطالع ظهور وارد و لکن بر این مظلوم وارد شده

آنچه که شبیه نداشته و ندارد."

"قسم بآفتاب افق محبوب که نقطهٔ اولیه در ایام خود بحزنم محزون بوده و بر بلایم گریسته."

"در کلّ حین در دست شمر کین و خولی بی دین و شداد عناد و نمرود مردود و فرعون ملعون و یهود عنود و بوجهل حسد و قابیل بغضاء مبتلی بوده و هستیم."

"تالله قد احاطنی حزنٌ لن ترى عين الأبداع شبهه... و انک لو تُریدُ أن تعرفَ اسرار الأمر فاخرج عن المدينة التي كنتُ فيها ثم ادخل في العراء ثم اسكن في نفسک ثم اصمتُ عن کلّ الازکار ثم توجه بقلبك اذاً تسمع ضجيج الأشياء و صريخهم من حزنی و كذلك نقلی عليك في سرّ الاشارات جواهر الاسرار لعلّ تطلع بما لا اطلع به احدٌ من الخلق."

"فوالله لو يطّلع احدٌ على ما وردَ علىّ لیسکنُ في العراء و یفرّ عن المعاشرين و لن یستأنس باحدٍ و لن یأکل من شئی الی ان یفدی نفسه فی حبه هذا الجمال المنیر. و کُلّما وردَ علیّ فی الظاهر لیس عندی شئی حتی اذکره لکم یا معشر المحبّین بل بما ورد علیّ فی الباطن و هذا ما لا یقوم معه أهل السموات و لن یحمله کلّ من فی الملک اجمعین. تالله لن اقدرُ أن اذکرَ حرفاً منه و لو اذکرُ حرفاً منه لتنفطر عنه السموات و الارضین."

"لو تجعّل ألفاً من البحر مداداً لمصائبی تالله لتنفذُ و لن ینفدُ ذکرُ مصائبی التي كانتُ عن افق القضاء مشهوداً. و انک ان تُریدُ أن تُعرفَ اثرأ منها فاستنشق الهواء ثم کلّ شئی انّ وجدتُ رائحة الدم اذاً فکر فیما ورد علی جمال القدم من سماء هولاء الذین کفروا بالله و آیاته بعد الذی خلق بقوله انفسهم و کلّ من فی الملک مجموعاً."

"حال ملیک غیب و شهود بر جمیع مشهود و بشائی ضرّ بر وجود مبارکش وارد شده که اگر جمیع بحور غیب و شهود مداد شوند و کلّ من فی الملک اقلام و جمیع من فی السموات و الارض راقم البتة از ذکرش عاجز شوند."

"و فی کلّ یوم ما کان غذائهُ الامین قطعات کبده و شرابهُ من قطراتِ دمه."

"قسم بخورشید سماء توحید که اگر خورشید سماء ظاهره بر حُزن جمال احدیّه مطلع شود ابدأً از افق خود طالع نشود و قمیص نور و ضیاء از خود بیندازد."

"ای امة الله هنگامیکه در بساط آسایش جالس شوی بذکر این مسجون مشغول شو و اگر غریبی مشاهده نمائی از غربت و کُرْبِت این غلام روحانی ذکر نما . قسم بنقطه وجود که بلائی وارد شده که ذره آنرا آسمان و زمین و جبال حمل نتواند نمود. ذکر مصائب غلام مستور به و اِنَّهٗ بِکُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ."

"یا عینُ ابکی لِضُرِّی و بلائی و یا قلبُ ضجَّ بما ورد علی نفسی. قسم بذکر اعظم که بلائی بر این عبد وارد شده که مظلومان عالم از اوّل دنیا الی حین بر مظلومیّت نوحه مینمایند."

"یا لیتُ کُنْتُ فانیاً و ما وُلِدْتُ اُمّی و ما سَمَعْتُ ما وَرَدَ علیه مِنَ الدّینهم عَبَدُوا الاسماءَ و قتلوا مُنزلها و خالقها."

"فآه آه لیس لی مِنْ اُمَّ لَتبکی علی حالی و لا لی مِنْ اُختٍ لتعری رأسها فی عزائی و مصیباتی و لا عندی مِنْ مونسِ یؤانسنی فی بلائی او یرافقنی فی ابتلائی."

"فآه آه فوالذی قد استکف ورقاء المحزون فی صدر البهّاء لنسیت کلّما شهدت مِنْ اوّل یوم الذی شربت لبن المصفی مِنْ ثدی اُمّی الی حینئذِ بما اکتسبت ایدی الناس و کان الله یعلم کلّ ما کان الناس هم لا یعلمون."

و در قصیده ورقانیّه از قلم مظلوم عالم نازل:

"فطوفان نوح عند نوحی کادعی

و ایقاد نیران الخلیل کلوعتی

و حُزنی، ما یعقوب بثّ اقلّه

و کلّ بلا ایوب بعض بلیتی"

و از قلم میثاق در ذکر بلائی وارد شده این کلمات حزن انگیز صادر:

"الهی تری وحدتی و غربتی و کربتی و تشاهدُ نحول جسمی و ذهول نفسی و خسوف بدری و کسوف شمسی وضعف اُرکانی و تزلزل اعضائی و تزعزع وجودی و تضییق صدری و خفقان قلبی و زهاق روحی و عدم شروحو و شدّة بلائی فی سبیلک و کثرة ابتلائی فی محبتک. ای ربّ استأصلتُ الزّوابع دوحتی النَّاشئة و اقلعتُ الزّلال ارومتی النَّابته و اخذتُنی اعاصیر البَلوی و اهلکتُنی شدائدُ البأساءِ و الضرّاءِ."

"یا محبوبی... انحنی ظهري و ابيض شعري و ذاب لحمي و بلى عظمي و تفتعت كبدی و احترق قلبي و اتقدت نار الأسي بين اضالعی و احشائي."

"ترانى هدفاً لكل سیهام و غرضاً لكل نصال و خائضاً فى غمار البلاء و غريقاً فى بحار المصائب و الارزاء ... ارفعنى اليك لأن الأرض ضاقت على و الحياة مريرة لدى و الآلام تنموج كالبُحور و الاحزان تهجم هجوم الطيور على النحب المنثور. فنهاري من الأسي ليل بهيم و صباحي مساءً مظلم بهموم عظيم و عذبي عذاب و شرابي سراب و غذائي علقم و فراشي اشواك و حياتي حشرات و مياهي عبرات و اوقاتي سكرات. و بعزتك لقد ذهلت عن كل شنى و لا اكاد افرق بين ليلي و نهاري و غداتي و عشائي و سهري و رقادي بما اشتدت الارزاء و عظم لى البلاء و عرض داء ليس له دواء."

ای عاشقان جمال ابهی قدر این موهبت کبری را بدانید که در این بلايا و رزایا بشرف مساهمت با مظلوم عالم و مرکز میثاق محیی رمم مشرف و نائل گشته اید و قطره ای از این علقم بلا را چشیده اید و این تاج افتخار را بر سر نهاده اید. در ذکر مصائب وارده بر متقدمین در آن سرزمین از قلم اعلی نازل، قوله عظم سلطانه:

"مصائب و بلاياى شما بمثابة كنوز است و در خزائن امانت الهی محفوظ و مصون."

و ايضاً میفرماید:

"و نفسه الحق سوف يُزيّنُ اللهُ ديباجَ كتابِ الوجودِ بذكرِ احبائه الذين حملوا الرّزايا فى سبيله."

"فوالله لو كان للدينا و ما فيها قدر عندالله على قدر بَعوضَة لَن تصل الذلة فيها على احدٍ من المؤمنين."

"فاعلموا بأنّ البلايا و المحن لم يزل كانت موكلة لاصفياء الله و احبائه ثم لعباده المنقطعين."

نفس این بلايا و رزایا را جمال ابهی و غصن اعظمش در الواح شتی طالب و آمل و وقوع و صدورش را حامد و شاکر. در این مقام از قلم اعلی نازل، قوله تبارک ذکره:

"فَاعْلَمْ تَمَّ إِيْقَنُ أَنَا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ فِيهِ ارْتَفَعَ صَرِيرُ الْقَلَمِ الْأَعْلَى بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَنْفَقْنَا أَرْوَاحَنَا وَاجْسَادَنَا وَابْنَانَا وَأَمْوَالَنَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَنَفْتَخِرُ بِذَلِكَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْسَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ الْأَعْلَى يَشْهَدُ بِذَلِكَ مَا وَرَدَ عَلَيْنَا فِيهِذَا الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ."

"لَعَمْرِي لَوْ أَذْكَرُ حَلَاوَةَ بَلَايَاءِ الَّتِي أَكُونُ فِيهَا لَتَنْفِدُ الْأَلْوَاخُ تَنْصَعِقُ الْأَقْلَامُ وَرَبُّكَ عَلَيَّ مَا أَقُولُ عَلِيمٌ."

"لَعَمْرِي أَحَبُّ الْبَلَاءِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَوْجِدُ الْأَشْيَاءِ كَمَا يُحِبُّونَ النَّاسَ أَبْصَارَهُمْ بَلْ أَزِيدُ وَيَشْهَدُ بِذَلِكَ رَبُّكَ الْعَزِيزُ الْمَخْتَارُ."

"لَعَمْرِي إِنَّ السَّجْنَ بَيْتِي هُوَ أَبْهَى مِنْ كُلِّ الْبُيُوتِ إِنْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ وَ لَوْ أَنَّ يَدِي قَدْ فَتَحَتْ بَابَ السَّجْنِ وَ لَكِنْ قَلْبِي يَحُبُّ أَنْ يَكُونَ فِيهِ إِنْ رَبُّكَ لَهُوَ الْمُبِينُ الْحَكِيمُ."

"قُلْ إِنَّ الْبُئْرَ بَيْتِي وَ السَّجْنَ قَصْرِي وَ الْبَلَاءَ أَكْلِيلَ الْبِهَاءِ إِنْ أَعْرَفُوا يَا أَوْلَى الْأَبْصَارِ مِنْ أَفْقِ الذَّلَّةِ اشْرَقَتْ شَمْسُ اسْمِي الْعَزِيزِ."

"قَدْ جَعَلَ اللَّهُ الْبَلَاءَ أَكْلِيلًا لِرَأْسِ الْبِهَاءِ سَوْفَ تَسْتَضِيئِي مِنْهُ الْأَفَاقُ."

"قَدْ تُزَيِّنُ رَأْسَ الْبِهَاءِ بِأَكْلِيلِ الْبَلَاءِ كَذَلِكَ قَضِيَ الْأَمْرُ فِي لَوْحٍ كَانَ بِخَاتَمِ اللَّهِ مَخْتُومًا."

"طُوبَى لِحَيْنِ الذِّي فِيهِ يَفْدَى الْغُلَامُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْعَدْلِ الْحَكِيمِ وَ طُوبَى لِأَنْ فِيهِ يَسْفِكُ دَمَ الْغُلَامِ حَبًّا لِمُحِبُّوبِ الْعَالَمِينَ. فَيَا حَبْذَا السَّاعَةِ كَانَ الْغُلَامُ فِيهَا مَطْرُوحًا عَلَى التَّرَابِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ مَقْصُودِ الْعَارِفِينَ. فَوَ مُحِبُّوبِي الْحَقِّ أَرِيدُ أَنْ أَفْدِيَ فِي سَبِيلِهِ بَدَلًا عَنْ كُلِّ الْعَالَمِينَ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَالَمِينَ عَزِيزٌ عَلَيَّ بَأَنْ يَقْتَلَ أَحَدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أَنَا بَاقِيٌّ فِي الْأَرْضِ وَ بِذَلِكَ يَحْزَنُ قَلْبِي وَ يَكْدُرُ عَيْشِي لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْمَوْقِنِينَ."

وَ كَذَلِكَ أَزْ قَلَمِ مِيثَاقِ نَازِلٍ:

"بِالْبَلَاءِ اسْتِضَاءَ وَجْهَ الْبِهَاءِ وَ بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ تَبَسَّمَ تَعْرُ كُلِّ عَبْدِ الْبِهَاءِ."

"يَا أُمَّةَ اللَّهِ إِذَا أَحْبَبْتَ دَعَاءَ فِي حَقِّ عَبْدِ الْبِهَاءِ تُدَلِّئِي إِلَى الْمَلَكُوتِ الْأَعْلَى وَ إِبْتَهَلِي وَ قَوْلِي:

ربِّ زدنِ بلاءِ عبدالبهاءِ فی سبیلک و املاءِ له كأسِ المصائبِ و الرزایا و أمطرَ علیه سحابَ الامتحاناتِ و زینَ عنقَه بالسلاسلِ و الاغلالِ فی السجونِ و القلاعِ فی محبتکَ و اجعلْ دمهَ مسفوكاً فی سبیلکَ و ارزقَه الجلوسَ علی صریرِ الصلیبِ بموهبتکَ حتی تأخذه نشوه صهباءِ الفداءِ و يطيرُ بها الی جوارِ رحمتکَ الکبری فی ملکوتکَ الاعلی هذا هو الدعاءُ فی حقِّ عبدالبهاءِ لأنَّ هذه غایتُه القصوی و منیتهُ الکبری و موهبةُ العظمی التي یتمنّاها فی کلِّ حین.

"یا امة الله لا تحزنی و لا تتکدّری من البلیا التي احاطتني لانی استبشیرُ بها و افرحُ بها لانها نُزلت و تنزلُ علی فی سبیلِ الله و اعلمی اننی ولدتُ فی البلاءِ و رضعتُ من ثدی البلاءِ و نشنتُ فی البلاءِ و بلغتُ فی البلاءِ و شببتُ فی البلاءِ و شببتُ فی البلاءِ فما احلی البلاءُ فی سبیلِ الله و ما اشهی نعمة البلاءِ فی حبِّ الله و ما اعذب كأس البلاءِ فی محفلِ التجلی عند مشاهدة نور الکبریاء لیت النجوم سهام و صدری هدف لها فی سبیلِ الله و لا اتمنی الا أن اعلق فی الهوآء و یرش الفَ رصاص علی صدری فی محبة البهَاء او تقطع جسمی ارباً ارباً او یرمومنی فی قعر البحار او یجرعونی كأساً من سمِّ الهلاکِ فی محبة الجمال الأبهی هذا منتهی آمالی و غایة مقصدی و اعظمُ مطلبی و منتهی رجائی."

ای متمسکین بعروة وثقی التي لا انفصام لها، این فتنه و آشوب و انقلاب اخیر که در موطن مقدس مولای علیم و خبیر بغتةً احداث گشت به شهادت کلّ — از آشنا و بیگانه و یار و اغیار — باعث اشتها و ارتفاع صیت آئین کردگار در کلّ اشطار گردید. این هجوم عنیف از طرف عصبه مغروره فنه خادعین و مکفرین و مبطلین بر شعائر و مقدسات این امر نازنین و یگانه ملجأ و منجی اهل زمین، و ضوضاء و غوغای باغین و طاغین — نفوس واهیه سافلہ لاهیه ساهیه — بمثابة صور اعظم و نفخه اکبر، و نقره افخم صیت امر اکمل و اتم را در خافقین مرتفع ساخت و ولوله اش در بسیط خاک رنه نی حیرت انگیز بینداخت و صیت امرالله را دفعةً واحدةً بمقاماتی رساند و جلب انظار نفوسی را نمود که تا بحال حرفی از این ظهور اعظم نشنیده و ادنی اطلاعی از تصرفات و فتوحاتش در عالم نداشته.

اهل بهاء کثلة واحدة من دون تأمل و تردد و بعزمی متین بکمال همت و جدیت با قلبی مملو از تأثر و تأسّف و محبت و شفقت متوکلین علی الله الناظر الشاهد القاهر المقتدر القدير بر دفاع و معاضدت و معاونت و مساعدت ستمدیدگان برادران و خواهران روحانی خویش در آن اقلیم پر بلا — موطن اصلی جمال ابهی — قیام

نمودند— قیام استفرحت منه قلوب اهل ملاء الاعلی— و در اعلان مقاصد اصلیّه پیروان این امر اعزّ اسنی و تظلم نزد رؤسا و امرآ و وزرآء و وکلآء و احتجاج شدید بر روآت کذب و افتراء و تبیین و تشریح مبادی سامیه جامعه راجع به عقائد اصلیّه دینیّه مروجان امر حضرت ربّ البریه و اقرار و اعتراف بحقیقت و رسالت شارع شریعت اسلامیّه و توجه اهل بهآء بأمور روحانیّه و تمسک آنان بحبل المتین تعالیم سماویّه و عدم مداخله در امور سیاسیّه و تجنّب از احزاب و فرّق مختلفه متنازعه و اثبات اصالت و استقلال و عمومیت شریعت بدیعه الهیه و انقیاد تام و اطاعت احکام و مقرّرات حکومت متبوعه خویش در ممالک متفرّقه متعدّده همت بلیغ بگماشتند.

محافل ملیّه روحانیّه ارکان جامعه و متجاوز از هزار مرکز امریه در مُدن و قُری در قطعات خمسّه عالم و جزائر مانیه بعضی کتباً و بعضی تلغرافياً به اعلیحضرت شاهنشاه ایران— خلدالله ملکه— و وزرای عظام— ایدهم الله— و وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا در کشور مقدّس ایران مخابره نمودند و این تلغرافات که از جهات مختلفه و مراکز عدیده دفعه واحده چون غیث بر دوائر حکومتی آن ارض هاطل بدست مأمورینی بیفتاد که نه نام بعضی از آن مراکز را شنیده و نه موقع جغرافی آنرا شناخته. این مخابرات مُتتابعه کلّ من دون شک و شبهه علت تحیر و باعث تعجّب اولیای امور گردید.

یاران رشید الهی در این مراکز امریه در احقاق حقّ مظلومین و منکوبین و ملهوفین بقدر استطاعت خویش سعی بلیغ مبذول داشتند بالاخص در قاره امریک مهد نظم بدیع و مدنیّت الهیه که بفرموده حضرت من طاف حوله الاسماء

"میدان اشراق انوار است و کشور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار"

و همچنین در اقلیم انگلستان نمایندگان جامعه پیروان جمال أبهی قیامی عاشقانه نمودند و بجمیع وسائل از برای ازاله ظنون و اوهام متوهّمین و رفع سوء تفاهم مأمورین و تشریح اصول آنین ربّ العالمین و مدافعه از حقوق مظلومین تشبّث نمودند. جماعات و محافل محلیّه روحانیّه در ایالات متّحده با رئیس جمهور تلغرافياً مخابره نمودند و در صفحات جراند و مجلات در اثبات مظلومیت و بیان مقهوریت پیروان امر مقدّس حضرت احدیت و تبیین مقاصد و مآرب و مبادی جامعه بهائی و ذکر شمه ئی از تاریخ پر هیجان این فنه مظلومه مقالات مشروحه منتشر ساختند و در صفحات اعظم جراند عالم و مجلات مهمه مختلفه متعدّده— از جمله جریده معروفه تایمز که اول جریده انگلستان بل اشهر جریده عالم است و در قضیه شهدای یزد در لوحی از الواح نازله از قلم اعلی



بخطاب:

"یا تایمز یا دارای گفتار و مطلع اخبار"

مخاطب گشته — انعکاسات این وقایع مؤلمه منطبع و منتشر گشت و بر اشتها این قضیه بیفزود.

و ایضاً — اتماماً للحجة و تأییداً لماسبق — نمایندگان جامعه<sup>۶</sup> بهائیه متوسل بهینت نمایندگان امم متحده گردیدند و در سازمان ملل و دیوان دول رنه این قضیه خطیره مرتفع گشت و شرح و بیان تفصیل این فجائع و اعمال شنیعه و مظالم وارده و لطمات و بلیات شدیدة علت تحیر و باعث جلب انظار رؤسای قوم و صاحبان مناصب عالیہ در ممالک مختلفه<sup>۶</sup> شرقیه و غربیه گردید. تقریر مشروح و مبسوط در بیان این وقایع هائله و اثبات حقائق امریه تسلیم امین جامعه<sup>۶</sup> ملل متحده گردید و نسخه نئی لاجل اطلاع رئیس شعبه نئی از شعب مهمه آن هینت که مرجع امور اقتصادی و اجتماعی است ارسال گشت و نسخه های متعدده این تظلم نامه بنمایندگان دول مشترکه در مجلس اعلاى این هینت مجلله و موظفین آن تقدیم گشت و در نتیجه<sup>۶</sup> تقدیم این تقریر — من دون تأخیر — هینتی مرکب از ارکان سازمان ملل متحد تعیین گردید و مأمور بمراجعه بنماینده<sup>۶</sup> دولت ایران گشت و باب مخابره رسمی بین این هینت و آن دولت مفتوح شد و از مدیر دائره حقوق بشر نامه<sup>۶</sup> خطاب به امین محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده صادر گشت و در این نامه رسماً وصول این تقریر و احاله اش بمقامات مربوطه و ارسالش بدولت ایران لاجل محافظه<sup>۶</sup> حقوق اقلیات اشعار گردید.

و نیز بر حسب اخبار منتشره رئیس جمهور ایالات متحده بنفسه در حضور محررین و مخبرین جراند مهمه آن کشور بر کلّ سبقت یافته و حدوث این انقلاب را خود اعلان نموده و انتشار داده جمعی از اجله<sup>۶</sup> ادباء و دانشمندان و مؤلفین و مورخین و مستشرقین و اساتذہ<sup>۶</sup> معروف در دارالفنونهای قاره<sup>۶</sup> شمالی امریک و ارکان وزارت خارجه<sup>۶</sup> ایالات متحده و رئیس الوزرای کشور هندوستان و قرینه<sup>۶</sup> رئیس جمهور سابق امریکا — بعضی بصرافت طبع و برخی پس از اطلاع بر این وقایع مؤلمه در نتیجه<sup>۶</sup> مراجعه و مخابره با امنای محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده — زبان بقدر و ذم مرتکبین این اعمال شنیعه گشودند. بعضی شهادت بمظلومیت یاران ستمدیده<sup>۶</sup> جمال ابهی دادند و بعضی بدفاع از حقوق مسلوبه<sup>۶</sup> جامعه و تبیین و تشریح تعالیم الهیه و مبادی نظم بدیع و تعریف و توصیف اصول شریعت سماویه علی قدر مراتبهم پرداختند. جمعی از این نفوس محترمه<sup>۶</sup> منصفه متحیر و متأسف و برخی ناصح و معاتب وعده<sup>۶</sup> خشمگین و مُشمز و در صفحات جراند و مجلات اظهار استیحا

و استیاء شدید نمودند و قلیلی بتوبیخ و انذار پرداختند.

طولی نکشید که باراده<sup>۱</sup> غالبه<sup>۲</sup> نافذه<sup>۳</sup> الهیه<sup>۴</sup> این فتنه و آشوب در اثر این اشتها سریع و احتجاج شدید تسکین یافت و دخان ظلم و ستم بنشست و سیل تهمت و افتراء که از قلم و فم جهله<sup>۵</sup> قوم و هزله و رذله<sup>۶</sup> پر لوم<sup>۷</sup> منهمر<sup>۸</sup> گشته بود متوقف گشت و ضوضاء و هیجان اهل طغیان بسکون و سکوت مبدل گردید. دشمنان حسود و جحود از تنفیذ اهداف سینه خویش مأیوس و منصرف گشتند و گرگان و درندگان از افتراس اغنام الهی ممنوع شدند و نباح کلاب و عوآء ذئاب در آن اقلیم خاموش گشت و ارباب مکابرت و استکبار رسوای عالم گشتند. بعضی در حفرات یأس در طبقات سفلیه خود بخزیدند و در نار حسرت و أسف عظیم بسوختند و برخی گرفتار و بعباب الیم معذب گشتند و عده نی اعدام و باسفل السافلین راجع گشتند. امر بمقامی رسید که مقاومت و مهاجمه<sup>۹</sup> شدید بر حزب مظلوم در شهر رمضان مبدل به محافظت و صیانت پیروان ستمدیده<sup>۱۰</sup> حی قیوم در ایام محرم و صفر گشت و امر اکید کتبی راجع به تخلیه حظائر قدس از طرف امنای دولت صادر شد و تأکیدات صریحه در عدم تعرض و احداث انقلاب و اغتشاش در کافه<sup>۱۱</sup> ولایات خطاب بمأمورین دولت ابلاغ گردید— لعل الله یحدث بعد ذلک امرأ مرصیاً. لله القدرة من قبل و من بعد. إن الله علی کل شیء قدیر.

ایها المقتبسون من نور الهدی:

این انقلاب اخیر در موطن اصلی امر ربّ قدیر از جهتی علت اشتها آئین الهی و انتشار صیتش در کلّ اقطار گشت و از جهتی دیگر اساسش را در قلوب پیروانش در کلّ اقطار تقویت نمود و مستحکم ساخت. جمعی از کوتاه نظران در بدو این ضوضاء و غوغا چنین تصور نمودند و بخود وعده دادند که این مقاومت و مهاجمت و اشتداد و زجر و عقوبت و تند باد غضب و حدّت و بطش و صولت و سَطوت ارباب مکابرت و انذارات و تخویفات خصم الدّ امر حضرت احدیت و سیل افتراء و تهمت عنقریب ریشه<sup>۱۲</sup> شجره<sup>۱۳</sup> مثمره<sup>۱۴</sup> مرفوعه<sup>۱۵</sup> لا شرقیه و لا غربیه را در موطن و منبت<sup>۱۶</sup> اصلیه اش دفعة<sup>۱۷</sup> واحدة<sup>۱۸</sup> قلع و قمع نماید و سراج و هاج راکاملاً خاموش نماید و جمعی از عشاق جمال ابهی و پرورده<sup>۱۹</sup> ید عنایت حضرت عبدالبهاء را در ممالک و دیار پریشان و مأیوس نماید و از صراط مستقیم منحرف سازد و زلزله بارکان جامعه در کافه<sup>۲۰</sup> ممالک اندازد و شعله<sup>۲۱</sup> نار محبت الله را در افنده<sup>۲۲</sup> صافیه<sup>۲۳</sup> مؤمنین و مؤمنات و موقنین و موقنات بیفسرد و شمل<sup>۲۴</sup> یاران راستان را متشتت نماید و رخنه در صفوف جنود مجتده احداث کند و علت انشقاق و انشعاب و تفرقه و اضمحلال و انقراض گردد.

”بئس ما ظنّوا و ساء ما حکموا ذرهم یخوضوا او یلعبوا و یمرحوا و یرتعوا حتّی یقضی الله امرأً کان مفعولاً.“

اشعال نار ظلم و اعتساف و تتابع مَحَن و بلايا و اشتداد رزایا ادنی خللی در وحدت جمع اهل بهاء و فتوری در عزم متمسکین بعروه و وثقی احداث نمود بلکه علت انتباه نفوس و باعث تقویت بنیه امرالله گردید و روح جدیدی در کالبُد مروجین دین الله و مهاجرین و مجاهدین فی سبیل الله و ناشرین نجات الله و ایادی و امنای امرالله و مؤسّسین شریعت الله و حامیان حصن الله و راکبین سفینه الله بدمید. عبادالله و أماءالله فی مشارق الارض و مغاربها چون سدّ متین مقاومت سیل ترهات و اباطیل و اراجیف و اکاذیب اولوالطغیان را نمودند و بکمال جدّ و جهد— بقلوب مطمئنّه و اقدام راسخه و ارواح منجذبه و افنده مشتعله— در هدایت نفوس غافله و انتشار روائح مسکیّه و ندای بملکوت سلطان احدیه و تکذیب اقاویل و اباطیل و نفی اعتراضات جدید و قدیم دشمنان امر ربّ البریه و کشف اسرار و رموز شریعت سماویه و اثبات مقاصد اصلیه روحانیّه و رفع شبهات و توهمات نفوس محتجبه و اتّساع نطاق جامعه بهائیّه و تشبّث در ممالک و جزائر بعیده و فتح اقالیم غیر مفتوحه و تنفیذ نقشه بدیعه دهساله پیش از پیش همت بگماشتند.

لیثبت ما صدر من القلم الاعلی فی الواح شتی، قوله الاحلی:

”بالبلاء علا امره و سنا ذکره.“

”قل البلايا دهنٌ لهذا المصباح و بها یزاد نورُهُ ان کنتم من العارفين.“

”بلانی عنایتی ظاهره نار و نِقْمَة و باطنه نور و رَحْمَة.“

”بالبلاء ربّینا الامر فی القرون الماضیه سوف تجدّ الامر مُشرقاً من افق العظمة بقدره و سلطان.“

”قل ان البلاء ماءً لما زرعه فی الصّدور سوف تنبت منه سنبلاتٌ ینطق کلّ حبة منها انه لا اله الا هو العزیز الحکیم.“

”قد جعل الله البلاء اکلیلاً لرأس البهائم سوف تستضي منه الآفاق.“

”قل انّ القضاء مؤيّد لهذا الامر و البلاء مُعِين لهذا الظهور.“

”انا لم نزل ارتفعنا سدرات الامر بماء الاعراض و الدم انّ انتم من العالمين.“

”قل انّ الاعراض من كلّ معرض مُنادٍ لهذا الامر و به انتشر امرالله و ظهوره بين العالمين.“

”قد جعل الله البلاء غادية لهذه الدسكرة الخضراء و ذبالة لمصباحة الذي به اشرفت الارض و السماء“

”بظلمهم رفعنا الامر و انتشر ذكر اسم ربك في البلاد بمنعهم ظهر الاقبال و بظلمهم طلع نير العدل تفكروا لتعرفوا يا اولى الالباب.“

”مرّة بايادى الظالمين يرفع امره و اخرى بايادى اوليائه الذين يرون الغافون ككف تراب و ينطقون بما نطق القلم الاعلى فى الافق الابهى.“

”قل تالله ترفع هذه السدرة بماء اعراضكم و لكن انتم لا تشعرون فى انفسكم و تكونن من الغافلين.“

”لو يسترون النور فى البرّ انه يظهر من قطب البحر و يقول ائى محيى العالمين.“

ياالعباء الله و ايمانه:

جامعه پيروان نير آفاق روحى لِحُبِّهم و شهامتهم و ثباتهم و استقامتتم الفداء كه پس از افول كوكب دُرّى ميثاق قدم بمرحله اولای تأسيس نظم بديع الهی گذاشته و در مدت بيست سال او ازید باستحكام اساس و وضع قواعدش و تأسيس محافل محلیه و تشكيل محافل ملیه در قطعات خمسّه جهان مشغول و مألوف بوده و سپس در اين سنين اخيره وارد مرحله ثانيه كه مرحله ترويج دين الله و اتّساع نطاق امرالله و تسخير ممالك غير مفتوحه و طرح نقشه های ملیه و افتتاح جهاد كبير اكبر است گشته حال بتقديرات الهیه و وسائل غيبیه و بر وفق اراده غالبه نافذه در اثر اين انقلاب و بلايای وارده اخيره وارد مرحله ثالثه گشته كه مرحله اشتها و ارتفاع صيت امر حضرت كردگار است و اين مراحل ثلاثه كه مرحله استحکام اساس و اتّساع نطاق و اشتها صيت امر نير آفاق است مقدمه اعلان آئين يزدان در تمام جهان است كه مركز عهد و پيمان جمال رحمن بآن در الواح اشاره فرموده

و این اعلان تحقق نیابد الا بقیام زمامداران دول و امم شرقیه و غربیه و رؤسای مذاهب و ادیان عتیقه در قارات  
خمس و ایجاد ولوله نی اعظم و آشوبی اکبر و زلزالی اشّد از آنچه تا بحال دشمنان امر ذوالجلال در بعضی  
از ممالک شرقیه احداث نمودند.

یاران راستان در این ایام انقلاب و افتتان باید نظر را باین بیان صریح که از قلم ملهم معجز شیم مولای خبیر و  
علیم نازل متوجه سازند و در آنچه اخبار فرموده تمعن و تفرس نمایند، قوله الاسنی:

"الیوم قوای رؤسای ادیان باجمعهم متوجه تشنیت انجمن رحمن و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و  
جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم، چه که امر عظیم است عظیم و عظمت امر در انظار  
واضح و لائح."

و ایضاً میفرماید:

"امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه<sup>ء</sup> جمیع ملل و امم شدید است شدید. عنقریب نعره<sup>ء</sup> قبائل افریک و  
امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله<sup>ء</sup> هند و اُمت چین از دور و نزدیک بلند شود وکلّ بجمیع قوی بمقاومت  
برخیزند و فارسان میدان الهی بتأیدی از ملکوت ابهی بقوت ایقان و جُند عرفان و سپاه پیمان جُند هُنالک مَهزوم  
مِن الاحزاب را ثابت و آشکار کنند."

ملاحظه نمایند که بصریح عبارت میفرماید:

"مقاومت و مهاجمه<sup>ء</sup> جمیع ملل و امم شدید است شدید"

و شُبّه ای نبوده و نیست که مقاومت سیل امرالله و هجوم بر مقدّسات دین الله از طرف جمهور ناس و زمامداران  
هر دو در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنین از طرف رؤسای کنائس در دو قاره اروپا و امریک و مبشرین  
حضرت روح در دو قاره استرالیا و افریک و اقطاب و رؤسای ادیان عتیقه هند و چین در جنوب شرقی قاره آسیا  
و شرق اقصی خواهد بود. شور و آشوب اخیر اولوالطغیان در اقلیم ایران بنفسه مقدمه حدوث ولوله نی اعظم و  
انقلابی اشّد و هیجانی اکبر در اقالیم سائر جهان است، زیرا میفرماید:

"کلّ بجمیع قوی بمقاومت برخیزند"

واین انقلاب اعظم مقدمه اعلان امرالله در تمام کره ارض و غلبه جندالله و انهزام و انقراض اعداء الله و تنبّه عمومی اهل عالم و اقبال دول و امم و تحقق بشارت "یدخلون فی دین الله افواجاً" خواهد بود.

ازسین اولیه این ظهور ابدع اعظم الی یومنا هذا مقاومت و مهاجمه بر حصن حصین امرالله منحصر بررؤسای حزب شیعه و اهل سنت و جماعت و عده نی قلیل از مبشرین و کشیشهای ملت حضرت روح در بعضی از اقالیم شرقیه و غربیه بوده، ولی من بعد متدرجاً در میقات معلوم باسباب غیبیه این مقاومت و مهاجمه به اعضاء و رؤسای کنائس از رهبان و قسیسین و اساقفه و مطارنه و بطارکه از مذاهب مختلفه در قارات خمسه بالاکصّ بررؤسای طائفه انجیلیه در جزائربریطانیا و حبر اعظم رئیس اقدم و اکبر طوائف مسیحیه در مدینه رومیّه سرایت خواهد کرد و رفته رفته انعکاساتش در ممالک جنوب شرقی قاره آسیا و جزائر مجاوره و شرق اقصی ظاهر و پدیدار خواهد گشت "و ناله هند و امه چین" بفرموده مرکز میثاق رب العالمین مرتفع خواهدشد و حنین رؤسای دو طائفه برهمیه و بودائیّه مانند حنین منابر در موطن اصلی جمال ابهی بعنان آسمان متصاعد خواهد گشت. اینست که میفرماید "واقعه ها در پیش است و دشمن از پس". آنچه تا بحال واقع گشته مبادی و تمهیدات و مقدمات است نه خاتمه و انتهی.

و همچنین بیقین مبین بدانید که نفس این قیام و تولید ولوله و آشوب و ظلم و ستم و تهدید و مقاومت و تحریک و زجر و هجوم بالمآل باعث انحطاط و علت هبوط و سقوط جمهور محرکین و متعصبین و ظالمین و مفسدین و معترضین و معتدین و مهاجمین و انقراض و زوال علمای سوء و رؤسای ادیان عتیقه در اقالیم سائره گردد.

فته حزب شیعه و قیام و مقاومت خلفاء از جماعت سنّه در مدینه کبیره و وضوضای علمای ازهر در مدینه قاهره مرکز و محور جامعه غربیه و اسلامیّه بمثابه اولّین مبارزه و نخستین اصطدام است. در این معرکه هانله بین ظلیعه جنود ظلالت و عمی و علمداران جیش عرمرم بهاء و شبهه نی نبوده و نیست که این مقاومت و مهاجمه بمرور ایام شدت نماید و این اصطدام بین سپاه ضلال و لشکر حیات نطاقش وسعت یابد و ولوله اش جهانگیر گردد و نتایج و اثراتش زلزله بارکان جهان اندازد و عالمی را حیران سازد و امرالله را علی رؤس الاشهاد اعلان نماید و مصداق "جند هنالک مهزوم من الاحزاب" را و "ثرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم

ائمه و نجلهم الوارثين“ را ظاهر و آشکار سازد.

نفس این جهاد کبیر اکبر و این قیام و خروج و جوش و خروش و ترک اوطان و تشنّت درممالک و دیار و نصرت و ظفر در میدان مجاهدت و هدایت جم غفیری در ممالک و جزائر متعدده از اجناس و طبقات و السن و الوان و طوائف مختلفه متنوعه مُمهد سبیل و وسیله تسریع این اصطدام حیرت انگیز و جنگ و ستیز بین اصحاب یسار و یمین است، چنانچه علامات اولیه اتّساع نطاق این مبارزه در سنین اخیره در قاره افریک و جزائر بعیده محیط اعظم در نتیجه مقاومت و تحریکات مبشرین ظاهر و نمایان گشته و بتدریج در اثر همت و بسالت و شجاعت و استقامت و اقدامات مستمرّه متزایدّه گروه مجاهدین و مهاجرین این مقاومت بسائر طوائف و مذاهب سرایت نماید و رعب الهی را متدرّجاً در قلوب زمامداران اندازد و بر شدت و حدّت این رزم روحانی و اتّساع دائره معرکه اش بیفزاید.

جمال قدم سلطان الامم و مُحیی الرّمم بسپاهیان دلیرش در این انقلاب اعظم کاملاً اطمینان داده و باین بیان اکتفا و اتم و عده نصرت داده، قوله تکبر کبریانه:

"لَعْمَرَى لَا يُنْزَلُ عَلَى الْاِحْبَاءِ اِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ يَشْهَدُ بِذَلِكَ قَلَمُ اللّٰهِ الْمَقْتَدِرِ الْعَزِيزِ الْمَحْبُوبِ"

و ایضاً میفرماید:

"اِنَّهُ مَا قَدَرَ مِنْ قَلَمِ التَّقْدِيرِ لِاِحْبَاءِ اِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ وَ نَسَلُهُ بَانَ يُوقِّعُهُمْ عَلَى الصَّبْرِ وَ الْاِصْطِبَارِ لِنَلَا تَمْنَعُهُمُ الْبَلَايَا عَنْ صِرَاطِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ."

حال سزاوار آن است که در خاتمه این اوراق نظر را بتأثیرات مدهشه اقدامات اخیره و فتوحات و مشروعات بهیه ناصران امر جمال ابهی در این دو سنه اخیره جهاد روحانی اهل بهاء متوجه سازیم و در تصرفات عجیبه غریبه قوه قاهره ازلیه قدسیه و موجد و محرک این جهاد کبیر اکبر که کوشش را آیدای غالبه سپاهیان رب الجنود در بر و بحر و در غرب و شرق و جنوب و شمال بکمال قدرت و اقتدار کوبیده و میکوبند اندکی تمعن و تفرّس نمائیم.

مجاهدین فی سبیل الله و منادیان بملکوت الله که در نخستین سنه این جهاد کبیر اکبر بقوه اسم اعظم بفتح صد اقلیم از اقالیم عالم مفتخر گشتند در سنه ثانی و ثالث این جهاد نیز بعزمی خلل ناپذیر در میدان مجاهدت

مداومت نموده در ایفای وظائف مقدسه متعدده حتمیه خویش کما امرهم و نصحهم مولا هم همی بلیغ مبذول داشتند و چنان استقامتی بنمودند و بفتح و ظفری نائل گشتند که ندای احسنتم احسنتم یا احبائی و نصرآء امری از مکن اسنی خطاب بجند باسبل بهآء مرتفع گشت و هلهله<sup>۶</sup> اهل ملاء اعلی رتبه در غرفات فردوس ابهی و جنت علیا بینداخت.

در نتیجه<sup>۶</sup> این همت موفور و سعی مشکور و قیام و خروج و مهاجرت و تشنت عدد ممالک مستقله عالم و اقالیم تابعه در شرق و غرب و جنوب و شمال که بنور امرالله منور و در ظلش مستظل گشته به دویست و چهل و هفت بالغ گشت و از این ممالک دو مملکت که در قطعه هند و چین واقع و یک جزیره که از جزائر اوقیانوس اطلس است در نقشه ده ساله مذکور نه و فتحش از خدمات باهره و فتوحات اضافیه<sup>۶</sup> مجاهدین و ناصرین امر رب البریه محسوب، مجموع مراکز امریه در بر و بحر و مدن و قری که نطاقش از ابعاد مدن جنوبیه عالم از خط استواء الی ماورآء مدار قطب شمال امتداد یافته و سه سال قبل به دوهزار و پانصد بالغ گشته و بشارتش را این عبد بیاران عزیز قبلاً داده در اواخر این سنه که ختام دومین مرحله<sup>۶</sup> این جهاد کبیر اکبر است از سه هزار و ششصد تجاوز نموده اقالیم مختلفه متعدده واقعه در قارات اربعه<sup>۶</sup> آسیا و افریقا و اروپ و امریکا که اسمانش در نقشه دهساله مذکور و مثبت کل باستثنای جمهوریات اتحاد شوروی و ممالک و اقالیم مرتبطه در نتیجه این فتح و ظفر مفتوح گشت.

و همچنین کافه جزائر بحر متوسط و محیط اعظم من دون استثناء در نطق امرالله وارد و بورود و وفود رسولان امرالله و مهاجرین فی سبیل الله مشرف و مفتخر گشت.

و ایضاً جزائر مذکوره در این نقشه که عدد آن به هفتاد و دو بالغ بتأیید من الله در اقل از سه سنه کل مفتوح گشته باستثنای شش جزیره که یکی در بحر شمال واقع و دیگری در اوقیانوس اطلس و دو جزیره در اوقیانوس هند و دو جزیره دیگر که از توابع اتحاد شوروی محسوب است و مجموع جزایر کره<sup>۶</sup> ارض که از اشعه<sup>۶</sup> ساطعه<sup>۶</sup> امرالله مستنیر و در نطق نظم بدیعیش وارد گشته حال بنود و هشت بالغ.

در قاره اروپا صیت نبأء عظیم و امر رب مقتدر و کریم بممالک نانیه شمالیه رسیده و در مرکزی از مراکز که ماورآء مدار قطب شمال در آن قاره است و هفتاد درجه شمال خط استواء واقع علم مبین بدست مجاهدین و مهاجرین مرتفع گشته نمایندگان چهل نژاد از نژادهای مختلفه متنوعه متنازعه متباغضه در ظل



شریعتش وارد و از مصدر فیوضاتش مستمد و بروحش مؤید و در سبیل رضایش سالک و از خوان نعمتش متنعم و بر خدمت آمرش قائم و در ترویج کلمه اش ساعی و جاهد.

کتب و جزوه های امریه به صد و هشتاد و نه لغت از لغات متداوله بین ملل و امم بهمت رسولان اسم اعظم و مروّجان شریعت اقوم ترجمه شده و از این لغات متجاوز از سی لغت در نقشه بدیعه مذکور نه و بهمت ناشران نفعات الله بر لغات معینه اضافه گشته و بعض از این نشریات را یاران غیور و خدوم باقصی شمال و ابعده مراکز عالم که بیش از هشتاد درجه فوق خط استواء واقع ارسال نموده اند ترویجاً لأمره و اثباتاً لقدرته و اعلاء لکلمته.

در قاره افریک که بنار موقده الهیه مشتعل گشته و بر قارات خمره سبقت یافته عده مؤمنین و مؤمنات از سه هزار، و عده موقنین و موقنات از جنس اسود از دو هزار، و عدد مراکز امریه از چهارصد، و عدد قبائل از صد و چهل، و عدد محافل روحانیّه از صد و بیست، و عدد لغات که آثار امریه بآن ترجمه گشته از پنجاه متجاوز و در نتیجه این تقدّم سریع و نفوذ شدید و اقبال بی مثیل و اجابت بی نظیر دعوت ربّ جلیل جنود منصوره الهیه در سراسر آن قاره وسیعه بتهیه مقدمات انتخاب وکلاء و تشکیل سه انجمن شور روحانی و تأسیس سه محفل مرکزی ارکان دیوان عدل اعظم الهی بکمال شعف و سرور و بهجت و حُبور مشغول و مألوف و در این عید رضوان که افتتاح مرحله ثالث این جهاد کبیر اکبر است باین نصرت عظیم و فتح مبین موفق و مفتخر خواهند گشت.

عدد محافل روحانی ملی و محلی که در دوائر حکومتی در ممالک مختلفه عالم تا بحال رسماً تسجیل و بصدور اعتبارنامه رسمی از طرف ولایة امور لاجل تأسیس اوقاف بهائی مفتخر گشته به صد و شصت و شش بالغ و عدد حظائر قدس ملیّه که در اقلّ از سه سنه در ممالک اوروپ و افریک و جمهوریّات جنوبی و مرکزی قاره امریک و اقلیم السکا و ژاپان و عربستان و ترکیه و سیلان و جزائر جنوبیه محیط اعظم و افغانستان تأسیس یافته و قیمت آن به نیم میلیون دولار بالغ گشته از چهل متجاوز و یاران جانفشان مولی الانام در اقالیم متعدده در اثر این اقدام بتلافی و جبران خسارت فادحه اخیره اشغال و هدم قبه رفیعه اولتین حظیره یاران ستمدیده در موطن اصلی حضرت احدیه کاملاً موفق و باثبات بیان صریح جمال قدم در ذکر غلبه و انتصار اسم اعظم مؤید، قوله جلّ اعزازه:

”لَوْ يَسْتُرُونَ النُّورَ فِي الْبَرِّ إِنَّهُ يَظْهَرُ مِنْ قُطْبِ الْبَحْرِ وَيَقُولُ أَنِّي مُحْيِي الْعَالَمِينَ“

بانیان نظم بدیع و سالکان صراط مستقیم و مجریان فرمان مولای فرید و عظیم بابتیاع اراضی ده معبد که قیمت آن جمعاً بصد هزار دلار بالغ و در جوار مدینه الله در دارالسلام بغداد و عاصمه قطر مصر مرکز عالم اسلامی و عربی، و در قلب کشور آلمان و عاصمه هندوستان و اقلیم کنادا (کانادا) و مدینه سیدنی اول و اقدم مراکز امریه در قاره استرالیا و عاصمه جمهوریت پناما که ذکرش در الواح مبارک مثبتوت، و مدینه کمپالا در قلب قاره افریک، و مدینه جوهانیزبرگ که اول مَدَن جنوبیه آن قاره محسوب، و عاصمه کشور ایتالیا مرکز حبر اعظم واقع متتابعاً در این سه سنه اخیره مؤید. و همچنین بطرح نقشه و تهیه وسائل تشیید دو معبد عظیم الشان در قلب دو قاره اروپا و افریک مفتخر. مقدمات تأسیس اوقاف بهائی در متجاوز از بیست مملکت از ممالک عالم بهمت عشاق اسم اعظم و مؤسسین نظم ابدع افخم فراهم و قیمت این اراضی و اماکن موقوفه که در قارات خمسه در اقل از سه سنه یاران مالک گشته اند از صد هزار دلار متجاوز و در ابتیاع اراضی باقیه در ممالک سائره بر وفق نقشه دهساله مروجان امر رب البریه بکمال همت جاهد و مداوم.

اقلیم بعید تبیت (تبیت) که چون میت از نفحات یوم ظهور بکلی محروم و از استفاضه از انوار ساطعه اش کاملاً ممنوع و محجوب و در خلف جبال شامخه باذخه واقع و از مراکز مهمه و حصن حصین طائفه قدیمه بودیه محسوب در سلک اقالیم مفتوحه در این سنه اخیره محشور و در نطق دائم الاتساع امر نیر آفاق وارد. در متجاوز از شصت اقلیم از اقالیم شرقیه و غربیه که در این سنین اخیره مفتوح گشته تقدّم امرالله نفوذ کلمه الله و ازدیاد عدد مؤمنین و مؤمنات مراکز منفرد را بسرعتی مُحیرالعقول مُبدل جماعات و عده نی از این جماعات را بمحافل مقدسه روحانیّه تبدیل نمود و در بعض از این اقالیم عده مقبلین که بقلبی سلیم توجه بامر رب قدیم نموده و بحبل المتین تعالیمش متمسک گشته از صد متجاوز و این نفوس جدیدالاقبال که اکثر از اهالی اصلی این اقالیمند بکمال انجذاب و اشتعال و اتفاق و اتحاد و همت و شهادت بنوبت خویش قیام بر تبلیغ امرالله و ترجمه و انتشار آثارالله و استحکام اساس دین الله و ترویج احکام شریعت الله نموده اند و بتأسیس مراکز جدیده و مشروعات مهمه و طرح نقشه های ثانویه پرداخته و عده نی از آنان بمهاجرت اقدام نموده و حال بوجود ابناء و احفاد روحانی خویش افتخار نموده و مینمایند و در نتیجه این فوز مبین مروجین امر نازنین در این اقالیم از آنچه مأمول بوده و در نقشه دهساله تصریح و تعیین گشته تجاوز نموده اند و بمقامی رسیده اند که احدی در آغاز این (جهاد) کبیر اکبر تصور چنین فتح و فیروزی و فلاح و نجاج را قطعاً نمینمود.

در محیط اعظم عده جزائر مفتوحه از قدیم و جدید از چهل متجاوز و مجموع مراکز امریه در این جزائر

متشکته متعدده که در جنوب و شمال و غرب و قلب اعظم اوقیانوس عالم واقع به صد و هشتاد بالغ.

در ارض اقدس قلب العالم و قبله الامم و لانه و آشیانه انبیاء و اولیای مکرم معظم و مرکز روحانی و اداری جهانی پیروان امر جمال قدم و محور مؤسّسات نظم بدیع اکمل اتم منجی عالم و مقصود و موعود امم پس از انجام و اختتام تشیید مقام بهی الانوار قوی البنیان مبشر ظهور اسم اعظم با وجود انقلابات عظیمه جهان و مخاطرات متزایده متنوعه که این ارض را احاطه نموده متوکلاً علی الله بتعیین محل استقرار مرکز اداری جهانی اهل بهاء و ابتیاع اراضی لازمه و تشکیل قوس وسیع بشکل نیم دایره در حول مراقد منوره شریفه و حفر اساس اولین بنای این مرکز عظیم الشان مبادرت گردید و قطعه زمینی که در قرب مدفن حضرت ورقه علیا ثمره سدره منتهی و سراج ملاء اعلی واقع بقیمت صد هزار دلار جهت بنای معاهد آتیه در دامنه این جبل مقدس تأمیناً لهذا المشروع المقدس الخطیر واجلالاً لمقامه الأقدس الأعزّ المتین ابتیاع گشت و بتدریج قسمی از احجار و اخشاب و لوازم ضروریّه این بنا که مجموعش از هزار تن و مصارفش از صد و سی هزار دلار متجاوز وارد اسکله حیفا گشت و قسمی از اعمده این بنای افخم که دارای پنجاه و دو ستون است و هر عمودی ارتفاعش از شش متر متجاوز منصوب گردید و به تهیّه لوازم سقف مجلل و زیبایش که بلون خضراء ملون واز هشت هزار قطعه مرکب و قیمت آن از سیزده هزار دلار متجاوز مبادرت گردید و همچنین اقدامات لازمه جهت ابتیاع پنج بیت از بیوت متصله بطبقات آن مقام مقدس که در رأس اولین خیابان مدینه حیفا واقع و قیمت آن از شصت هزار دلار متجاوز خاتمه یافت و بأوقاف بین المللی بهائیان که مساحتش از چهار صد هزار متر مربع تجاوز نموده منضم گردید.

و ایضاً پس از تأسیس شعبه های محافل ملیّه روحانیّه انگلستان و کندا و ایران و استرالیا بانتقال قسمتی از اراضی موقوفه در این جبل مقدس که قیمت آن جمیعاً از چهل هزار دلار متجاوز با اسم شعبه های این محافل روحانیّه اقدام گردید و معاملاتش حال در اداره ثبت اسناد در شرف اختتام است و شبهه نی نبوده و نیست که این انتقال علت استحکام اساس موقوفات بین المللی بهائی گردد و بر اشتها و رونق و جلالش بیفزاید.

در مرّج عکا اراضی حرم اقدس در حول ضریح مقدس و جنوب قصر رفیع افخم جمال ابهی اتساعی جدید یافت و در نتیجه مساعدت و معاضدت اولیای امور مرکزی در مدینه اورشلیم بیتی که مجاور آن قصر مشید است و بقدم مرکز میثاق جمال ابهی مشرف گشته ابتیاع گشت و اشتها و جلوه حدانقش در انظار جم غفیری از

زائرین و زائرات از یار و اغیار که بزیارت مرقد مطهر و مشاهده آثار قصر افخم فانز مضاعف گردید.

در زاویه ئی از زوایای حرم اقدس کج دم کین بقیه زعماء فنه ناقضین عهد مبین مجد الدین لعین محرک ناقض اکبر میثاق رب العالمین بذلتی مبین باسفل السافلین ساقط گشت. این عدو لدود و خصم حقود و بغض مجسم که از قلم میثاق جمال رحمن بمظهر شیطان موصوف و در اطوار و حرکات و مسلک و رفتارش رجعت سید لنیم اصفهانی که یحیی بی حیا را در ایام جمال ابهی اغوا نمود پس از صعود نیر آفاق بکمال تدلیس و تزویر و عزمی راسخ در هدم میثاق الهی همت بگماشت و با اولیای امور مرتبط گشت و در تهیه لوائح و ارسال آن بمدینه کبیره مرکز خلافت جائره سعی بلیغ مبذول داشت و در سنین عیدیه حلقه اتصال و واسطه ایصال هدایا از طرف فنه ضالّه بولایه و متصرفین و پاشای غدار — جمال پروبال — و جمعی از مأمورین تبه کار بود و پس از افول کوکب میثاق بتمام قوی بر معاضدت ناقضان عهد بهاء و ایجاد رخنه در جامعه پیروان امر حضرت رب البریه و غصب مفتاح روضه مبارکه و ممانعت از تأسیس مشروعات بهیه بین المللی در جبل کرم و مرج عکا قیام نمود تا آنکه عاقبه الامر ببلائی ادهم مبتلا گردید و نصف بدنش مفلوج گشت و بذلت کبری ایامی را بسر برد و پس از انقضای صد سال از حیات پُر و بالش و مشاهده آثار غلبه و نصرت غصن دوحه بقا و استقرار میثاق جمال ابهی و اشتعال سراج عهد اتم اوفی در دویست اقلیم از اقلیم دنیا و تأسیس و استحکام نظم بدیع جهان آرا و اتمام مشروع عظیم الشان بنای امّ المعابد غرب در قاره امریکا و احتفال دو عید منوی اهل بهاء و تشیید مقام بهی الانوار نقطه اولی و نصب قبه ذهبیه اش در قلب جبل الرّب کوه خدا خانباً خاسراً بنار حُسبان راجع شد و بحطب اکبر قطب شقاق و خلیفه اش و بدیع شنیع و جمعی دیگر از رؤسای عُصبه غرور و فتور ملحق شد.

در ایالات متحده امریک حامیان حزب مظلوم رافعان رایت بیضاء و علم داران جیش عرمرم بهاء که بتأسیس هزار و پانصد مرکز در آن اقلیم وسیع و آزاد موفق و مفتخر گشته بتقویت اساس امرالله و اتساع دائره مؤسّسات امریه و اشتهار صیت نبأ عظیم در آن قاره مشتعل که مهد نظم بدیع و منشأ مدنیت الهیه است لیلاً و نهاراً مشغول. هیئت منتخبه بهانیان در آن سامان بتقدیم یکی از ادعیه نازله از کلک مرکز میثاق برنیس جمهور آن کشور مفتخر و جوابی بامضای رئیس خطاب بان هیئت صادر و در آن نگارنده نامه ستایش زاندالوصف از تأثیر مطالعه این مناجات نموده و این هیئت محترمه نیز بتأسیس مؤسسه مطبوعات ملّی بروفق نقشه ده ساله مؤید. و همچنین بطرح نقشه ئی زیبا جهت تزئین حدائق تسعه امّ المعابد غرب مطابق دستور و تعلیمات صادره از قلم مرکز میثاق موفق و به ابتیاع قطعه زمینی که قیمت آن از چهل هزار دلار متجاوز جهت تشیید اولین مؤسسه

بهائی که از توابع و ملحقات این معبد عظیم الشان است مفتخر.

و از جمله وقایع مهمه در آن کشور منور صدور دعوتنامه رسمی از طرف یکی از انجمنهای مسیحی و اشتراک نماینده بهائی در اجتماعی مهیب و مجمعی بی نظیر و مثیل که در مدینه<sup>۶</sup> سان فرانسیسکو لاجل تذکر و دعا از برای هدایت اهل عالم و تأسیس صلح بین ملل و امم منعقد و در این احتفال قریب شانزده هزار نفر مجتمع و در حضور جمعی از اعیان و زمامداران از جمله وزیر خارجه ایالات متحده و جمعی دیگر از نفوس مهمه معروفه نمایندگان ادیان عتیقه از مسیحی و هندو و بودائی و کلیمی و اسلام هریک بنوبت خویش بتلاوت منتخباتی از کتب مقدسه اقدام نمودند و نماینده<sup>۷</sup> جامعه<sup>۸</sup> بهائیان قبل از کل رسماً بتلاوت مناجاتی که از قلم جمال ابهی صادر مفتخر گشت و شرح و قانع این اجتماع عظیم النظیر در جرائد و مجلات منتشر گردید و بر اشتهار آنین امر کردگار بیفزود.

و از جمله و قایع مهمه و حوادث تاریخیه و فتوحات باهره<sup>۹</sup> جلیله<sup>۱۰</sup> بهائیان در قارات<sup>۱۱</sup> خمسه در این دو سنه<sup>۱۲</sup> اخیره باختصار در خاتمه این رساله درج و ثبت میگردد:

انتقال رمس مبارک ابن نقطه<sup>۱۳</sup> اولی روحی لرشحات دمه الاظهر فداء بهمت افنان سدره<sup>۱۴</sup> بقا و یاران عزیز با وفا در مدینه<sup>۱۵</sup> مبارکه شیراز در ایام رضوان بگلستان جاوید بهائیان است. در کتاب قیوم اسماء بمناسبت صعود ابن وحید مظهر مظلومیت کبری این بیان احلی خطاب به حرم نقطه<sup>۱۶</sup> اولی از قلم مقصود اولیا و سلطان انبیاء صادر، قوله تبارک ذکره:

"اعظمی فضل الذکر الاکبر یا ایتها الحبیبه من لدی المحبوب عند حبیبی ما انت کاحد من النساء ان اتبعت امرالله الحق فی الحق الاکبر اعرفی حق العظیم من کلمه القدیم لنفسک و افخری بالجلوس مع الحبيب محبوب الله الاکبر و یکفیک الفخر هذا من لدی الحکیم حمیداً و اصبری علی القضاء فی شأن الباب و أهله و ان ولدک احمد لدی فاطمه الجلیله فی الجنته القدس علی الحق بالحق قد کان فی الحق بالعلم مربوباً."

و از جمله انتقال سند مالکیت سجن اکبر بنام ایادی امرالله و امین حقوق الله در مدینه<sup>۱۷</sup> مبارکه طهران و اعلان حق اشتراک اماءالرحمن در قطرین مصر و سودان در عضویت محفل ملّی و انجمن شور روحانی در آن سامان و تسجیل محفل مرکزی بهائیان سویس و ایتالیا و تأسیس مؤسسه مطبوعات ملّی در مدینه<sup>۱۸</sup> دهلی

عاصمه<sup>۶</sup> کشور هندوستان و مرکز انعقاد جلسات اعضای محفل مرکزی هند و برما و پاکستان و سیلان و ابتیاع اماکن متبرکه در ارض سیر و انعقاد نخستین مؤتمر بهائی در قلب کشور فرانسه و اجتماع نمایندگان مراکز مختلفه که اخیراً در نتیجه مهاجرت مؤمنین و مؤمنات از قاره<sup>۶</sup> امریک بقره<sup>۶</sup> اروپا متتابعاً تأسیس گشته و مشورت در امر تبلیغ و تهیه وسائل جهت انعقاد محفل مئی یاران آن سامان در سنین آتیه و تعیین و تأسیس مدفن بهائی در مدینه الله در اقلیم لیبیا و دارالسلام افریقا و انعقاد اولین مدرسه<sup>۶</sup> تابستانه در قریه<sup>۶</sup> کوبوکا در قلب آن قاره و اجتماع صد نفر از یاران سفید پوست و سیاه پوست و نمایندگان بیست و هشت مرکز از مراکز مختلفه لاجل اکتساب معلومات امریه و مشاوره<sup>۶</sup> در امر تبلیغ و ترویج امر حضرت احدیه در مراکز و اقالیم مجاوره و ابتیاع زمین جهت تأسیس مدرسه تابستانه در مدینه<sup>۶</sup> مبارکه بغداد و تهیه نقشه<sup>۶</sup> نی جهت بنای امّ المعابد غرب در قاره استرالیا در سنین آتیه و حال که ختام سومین سنه و انتهای مرحله ثانیه جهاد کبیر اکبر است پیروان ثابت راسخ مالک القدر در مراکز متعدده در متجاوز از نود اقلیم از اقالیم شرقیه و غربیه و جنوبیه و شمالیه در قارات خمسہ بکمال وجد و سرور و همّتی موفور و وله و وجدی بدیع متوکّلین علی الله الحافظ الناصر القدير بتهیه مقدمات انجمنهای شور روحانی و تشکیل محافل ملیه روحانیه و رفع ارکان و نصب دعائم دیوان عدل اعظم الهی که ما به الامتیاز مرحله<sup>۶</sup> ثالث این جهاد است مشغول و مألوف.

در آغاز این مرحله ثالثه که از مراحل مهمه خطیره<sup>۶</sup> این جهاد کبیر اکبر است سه محفل از این محافل روحانیه در ایام آتیه در قلب قاره افریک و شمال و جنوب آن انشاء الله و اراد تأسیس خواهد گشت و در دومین سنه اش سیزده محفل دیگر بتأیید من الله و قوه من لدنه بر این محافل ثلاثه اضافه خواهد شد و از این محافل سه محفل در قاره<sup>۶</sup> اروپا تأسیس خواهد گشت در انتخاب محفل اول بهائیان اسوج و فنلند و نروج و در انتخاب محفل ثانی بهائیان هلند و بلجیک و لوکسنبورگ و در انتخاب محفل ثالث بهائیان اسپانیا و پرتقال اشتراک خواهند نمود و چهار محفل دیگر در قاره آسیا تشکیل خواهد شد یکی در شرق جنوبی آن قاره و دیگری در عربستان و دیگری در ژاپان و دیگری در پاکستان مُنَعَد خواهد گشت و پنج محفل دیگر در قاره امریک تأسیس خواهد یافت که در انتخاب دو محفل از آن بهائیان جمهوریات جنوبی در انتخاب دو محفل دیگر بهائیان جمهوریات مرکزی و در انتخاب محفل خامس بهائیان اقلیم السکا مشارکت خواهد کرد و محفل سیزدهم در جزیره نیوزیلند که از جزائر جنوبیه محیط اعظم است تأسیس خواهد گشت و در هر یک از این انجمنهای شور روحانی که مقدمه تشکیل این محافل روحانیه ملیه است ایادی امرالله — حَقَّظْهُمُ اللهُ و اَيَّدْهُمْ — بالتّیاباه از این عبد حاضر و ناظر خواهند بود. در انجمن استکهلم ایادی امرالله مستر گروسمن، و ایادی امرالله مستر مولشگل، و در انجمن بروکسل ایادی

امرالله مستر تاونزند، و در انجمن مدیری ایادی امرالله مستر جیاگری، و در انجمن جاکارتا ایادی امرالله جناب فروتن، و در انجمن بحرین ایادی امرالله جناب سمندری، و در انجمن توکیو ایادی امرالله جناب خاضع، و در انجمن کراچی ایادی امرالله جناب علانی، و در انجمن بنویوس اریس ایادی امرالله و امین حقوق الله جناب ورقا، و در انجمن لیما ایادی امرالله مستر هولی، و در انجمن پناما ایادی امرالله جناب خادم، و در انجمن پورت اوپرانس ایادی امرالله میس ترو، و در انجمن انکورج ایادی امرالله مستر هنی، و در انجمن اوکلند ایادی امرالله میس دان. این نفوس معینه با وکلای مجتمعه در مذاکرات و مشاورات امریه مشارکت خواهند نمود.

اَیْدِکُمُ اللّٰهُ یَا اَحِبَّاءَ الْبِهَاءِ وَاَیْدِیْ اَمْرِهِ وَاَخْلَافًا حُبِّهِ عَلٰی مَا تَرْتَفِعُ بِهٖ مَقَامَاتِکُمْ وَاَتَهَلَّلُ وَجُوهُ اَبَانِکُمْ وَاَجْدَادِکُمْ وَاَتُظْهِرُ خَفِیَّاتِ اَمْرِ مَحْبُوْبِکُمْ وَاَمَوْلَاکُمْ وَاَتَمَّوْجُ الْوِیَّةَ النَّصْرَ فِیْ بُلْدَانِکُمْ وَاَوْطَانِکُمْ وَاَتَهْتِزُّ اَرْوَاحَ الْمُقْرَبِیْنَ فِیْ مَلْکُوْتِ رَبِّکُمْ وَاَبَارِئِکُمْ وَاَتَقْشَعِرُّ جُلُوْدَ اَعْدَانِکُمْ وَاَخْصَمَانِکُمْ وَاَتَحَقِّقُ اَمَالَکُمْ وَاَهْدِافِکُمْ فِیْ خِدْمَةِ اَمْرِهِ الْاَعَزِّ الْاَقْدَسِ الْاَبْدَعِ الْبَدِیْعِ وَاَتَنْفِیْذُ الْجِهَادَ الْاَشْرَفَ الْاَرْفَعَ الْاَمْنَعِ الْاَفْخَمَ الْخَطِیْرَ وَاَلْکُمْ مَنِّی الْفَا تَحِیَّةً وَاَتَنْأَ مِنْ هَذِهِ الْبِقْعَةِ النَّوْرَاءِ. زَادَکُمْ اللّٰهُ فِیْ خِدْمَةِ اَمْرِهِ وَاَنْصَرَةَ دِیْنِهِ شَوْکَةً وَاَجْلَالًا وَاَقْدَرَةً وَاَرْجَالًا.

### نوروز ۱۳۱۳ بدیع

از روی نسخه اصل که به خط مبارک مرقوم استنساخ شد و دو بار مقابله گردید.

علی اکبر فروتن